

# تفکر و اندیشه

۱

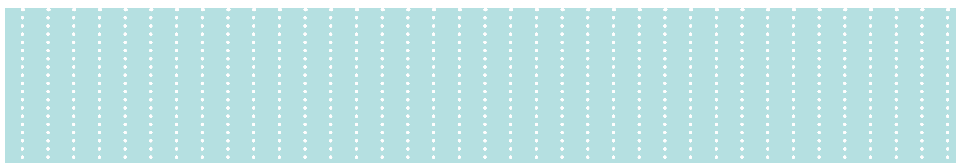
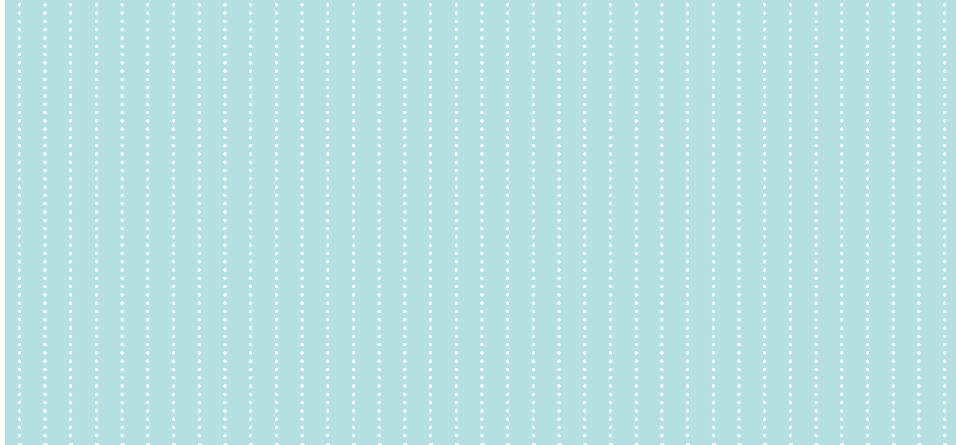
بخش اول

اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ  
برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَ  
 يُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ الْأَوَّلُ  
 وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ  
 ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ  
 ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ  
 مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ  
 هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَهُ  
 مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْإِلَٰهَ اللَّهُ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾  
 يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ  
 عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا  
 مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ  
 أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
 وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ  
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ  
 بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ  
 بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩﴾

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را به پاکی می‌ستایند و اوست پیروزمند حکیم. <sup>۱</sup>  
مالکیت (و فرمانروایی مطلق) آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند  
و او بر هر چیزی تواناست. <sup>۲</sup>

اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. <sup>۳</sup>  
او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا  
یافت. آنچه را در زمین فرو می‌رود، و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان  
نازل می‌گردد و آنچه به آسمان بالا می‌رود [همه را] می‌داند. و هر کجا باشید او با  
شماست و خدا نسبت به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. <sup>۴</sup>

مالکیت [و فرمانروایی مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن اوست و [همه] کارها به سوی  
خدا بازگردانده می‌شود. <sup>۵</sup>

شب را در روز داخل می‌کند و روز را [نیز] در شب فرو می‌برد و او به راز دل‌ها  
داناست. <sup>۶</sup>

به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین  
[دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کنند، پاداش  
بزرگی خواهند داشت. <sup>۷</sup>

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی‌آورید در حالی که پیامبر شما را دعوت می‌کند  
تا به پروردگارتان ایمان آورید، و مسلماً [خدا] از شما [به وسیلهٔ انبیاء و درک  
عقلتان] پیمان گرفته، اگر ایمان دارید. <sup>۸</sup>

او کسی است که بر بندهٔ خود [محمد ﷺ] آیات روشنی فرو می‌فرستد، تا شما را  
از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون کشاند. و به راستی، خدا [نسبت] به شما سخت  
رئوف و مهربان است. <sup>۹</sup>



## دست‌اول

## هستی بخش



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دور دست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟!

## نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند. باوجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر دربارهٔ خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها تفکر دربارهٔ نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است. بیان این راه به شرح زیر است:



\* اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده‌ای می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. دراشیای پیرامون نیز که تأمل کنیم، آنها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، نباتات، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را، پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

\* پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:

ذاتِ نیافته از هستی، بخش	چون تواند که بود هستی بخش <sup>۱</sup>
خشک ابری که بود ز آب تهی	ناید از وی صفت آب‌دهی <sup>۲</sup>

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

با توجه به دو مقدمهٔ فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همهٔ پدیده‌های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۱۹.

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

..... مقدمه اول: ما و این جهان  
..... مقدمه دوم: موجوداتی که  
..... نتیجه:

### تدبر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیه شریفه زیر، در آن تدبر کنید و به سؤالات طرح شده پاسخ دهید.

..... یا أَيُّهَا النَّاسُ  
..... أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ  
..... وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ<sup>۱</sup>

۱- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟

۲- چرا خداوند می تواند نیاز انسان و هر موجود دیگری را برطرف کند؟

### پاسخ به یک پرسش

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین فکری این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند. زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در یک عدد ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هریک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را



و.... اگر به حرکت این چرخ دنده‌ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده‌ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده‌ها باشد، نرسد؟

چنین چیزی غیر ممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت‌ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول‌ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان طور که نمی گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می گوید «پدیده» نمی تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است.

همان طور که ذهن ما نمی پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان طور هم، برعکس، نمی پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

## نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام هشتم (علیه السلام)، است، شنیده اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده اند خبری نیست. آیا رابطه جهان با خدا نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

اگر اندکی دقت کنیم، درمی یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس



وجود و هستی بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.

در مقام مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند. بنابراین، مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می‌کند :

ما چو نایم و نوا در ما ز توست	ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما	تو وجود مطلق، فانی نما
ما همه شیران ولی شیر عَلم <sup>۱</sup>	حمله‌مان از باد باشد دم به دم
باد ما و بود ما از داد توست	هستی ما جمله از ایجاد توست
لذت هستی نمودی نیست را	عاشق خود کرده بودی نیست را
ما نبودیم و تقاضا مان نبود	لطف تو ناگفته ما می‌شنود <sup>۲</sup>

## تدبّر در قرآن (۲)

در آیه زیر تدبّر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.  
 یَسْأَلُهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند.

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ<sup>۳</sup>  
 او همواره دست اندرکار امری است

۱- چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

۲- چرا خداوند هر لحظه دست‌اندرکار امری است؟

۱- عَلم: پرچم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی پرچم‌ها نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- سوره رحمان، آیه ۲۹.

## ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز

انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند. افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند:

اَللّٰهُمَّ لَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ طَرَفَةً عَيْنٍ اَبَدًا؛ خدایا مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار<sup>۱</sup>

## نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ...<sup>۲</sup>

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟ نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.

خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند. درواقع، هر موجودی در حدّ خودش تجلّی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

دلی‌کز معرفت نور و صفا دید      به هر چیزی که دید، اوّل خدا دید<sup>۳</sup>

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

و به تعبیر بابا طاهر :

به دریا بنگرم دریا تو بینم  
نشان از قامت رعنا تو بینم<sup>۱</sup>

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم  
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

#### تفکر در حدیث

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید :

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ<sup>۲</sup>

به نظر شما پیام این حدیث چیست؟ مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چه می باشد؟

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

### ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم : موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم دو دسته اند : دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشان های بسیار بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آنها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود

۱- بابا طاهر، دو بیت شماره ۱۶۲.

۲- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می‌بریم و صفات و اسماء او را می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چیستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است :

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ<sup>۱</sup>

### دانش تکمیلی

- اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید :
- ۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند
  - ۲- پاسخ به این پرسش که : آیا نظریه داروین می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

### پاسخ به یک پرسش

#### چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است. زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند. مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را هم درک نمی‌کند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیای مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ      چشم‌ها او را در نمی‌یابند

وَهُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ      و اوست که دیدگان را در می‌یابد

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ<sup>۲</sup>      و او لطیف آگاه است

فردوسی، شاعر حماسه سرا، در ابتدای شاهنامه با الهام از قرآن کریم و امامان بزرگوار، همین معانی را در قالب شعر به ما رسانده است. او می‌گوید :

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، مترجم و گردآورنده : ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

۲- سورة انعام، آیه ۱۰۳.

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر، اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیهان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست	نگارنده بر شده گوهر است <sup>۱</sup>
به بینندگان آفریننده را	نبینی، مرنجان دو بیننده را <sup>۲</sup>
نیابد بدو نیز اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه <sup>۳</sup>
خرد گر سخن برگزیند همی	همان را گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس او را چو هست	میان بندگی را بیادیت بست <sup>۴</sup>
خرد را و جان را همی سنجداوی	در اندیشه سخت کی گنجد او؟
به هستیش باید که خستو شوی	ز گفتار بی کار یکسو شوی <sup>۵</sup>
پرستنده باشی و جوینده راه	به ژرفی به فرمانش کردن نگاه <sup>۶</sup>

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست. دوست نزدیک تر از من به من است چه کنم با که توان گفت که دوست

وین عجب تر که من از وی دورم  
در کنار من و من مهجورم<sup>۷</sup>

### اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت، تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

۱- او از خیال و تصور ما برتر است. او پدیدآورنده و به تصویر کشاننده برتر گوهر عالم وجود است. مصور که به معنی صورت دهنده و نقاش است، یکی از نام های خدا در قرآن کریم است.

۲- به وسیله چشم ها نمی توانی آفریننده را ببینی. پس دو چشم خود را به زحمت نینداز.

۳- اندیشه و فهم انسان نمی تواند او را درک کند. او برتر از هر توصیفی است و تعالی است که ما به او بدهیم (سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ)

۴- کسی نمی تواند او را آن گونه که هست بستاید. پس باید کمر بندگی را محکم بست و او را عبادت کرد.

۵- باید بر هستی و وجود خداوند اقرار (خستو) کنی و از سخنانی که ارزش ندارند، خود را نجات دهی و آنها را کنار بگذاری.

۶- باید او را بیرستی و از او راه رستگاری را بطلبی (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) و با دقت و عمق باید به فرمانش

بنگری و او را فرمان ببری.

۷- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.